یادداشت

روند مثبت مذاکرات در جهت توافق

حسن لاسجردی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

با توجه به پرسش و پاسخ و بده و بستانی که ایران در اعلام شرایط داشته، آنچه مسلم است چون مدل مذاکرات این است که دو طرف غیرمستقیم مذاکره می‌کنند مقداری روند فرسایشی می‌شود و طول می‌کشد. اما نکته دوم که شاید مهم‌تر باشد موارد اختلاف است که دو طرف یا باید به یک درک و تفاهم متقابل برسند و اصطلاحا بگویند که حرف یکدیگر را درک کردند و حاضرند امتیازات لازم را به یکدیگر بدهند. یا اینکه این مذاکره و دادن جایگزین آنقدر طول بکشد که درک متقابل به وجود آید. لذا به نظر می‌رسد که امروز با این مساله مواجه هستیم که دو طرف در حال تبادل نظر و دادن الترناتیوهای مختلف هستند تا آن اشتراک مفهوم به وجود آید و بتوانند آنچه می‌خواهند را به‌دست آورند. لذا طولانی شدن مذاکرات به این موضوع برمی‌گردد. نکته دیگر اینکه به جهت حساسیتی که نسبت به خود موضوع هسته‌ای و مباحث مربوط به صلح و امنیت جهانی است نقش قدرت‌ها و بازیگران نیز موثر است. اگر بازیگران و قدرت‌های بزرگ که در این مساله دخالت کردند و حضور دارند حضورشان مثبت باشد و نگاه بر اساس منافع فردی و یکجانبه نباشد به نظر می‌رسد که به‌طور حتم این موضوع زودتر به یک تفاهم و توافق خواهد رسید. ولی به جهت اینکه هر کدام از این کشورها معمولا نیم نگاهی هم به منافع خود دارند خود این موضوع باعث می‌شود که توافق خیلی زود شکل نگیرد و روند فرسایشی شود. لذا به نظر می‌رسد که جمیع جوانب نشان می‌دهد که موضوع حساسی در میان است و طرفین مذاکرات می‌خواهند حداکثر منافع را برای خود جلب کنند تا بتوانند افکار عمومی داخلی کشورشان را جلب کنند. در عین حال نیز نقش موثر یا غیر موثر بازیگران نیز می‌تواند این روند را تسهیل کرده یا به طولانی کند. از طرفی روند مذاکرات نشان می‌دهد که دوطرف به تفاهم بیشتر می‌رسند. یعنی هر دفعه که حدس زده می‌شود یا شرایط و پیش شرط‌ها را اعلام می‌کنند به آن چیزی که می‌خواهند نزدیک می‌شوند. این نشان می‌دهد که دو طرف به یک نقطه مثبت مذاکرات می‌رسند. اگر نقطه منفی بود در گذر زمان آنها از عدم درک طرف مقابل یا زیاده خواهی و افزایش مطالبات صحبت می‌کردند اما به نظر می‌رسد آنچه در این چند ماه گذشته دیدیم دو طرف روند را مثبت ارزیابی می‌کنند و به توافق نزدیک‌تر می‌شوند.

دریچه

مراد عنادی:

بایدن می‌خواهد قبل از انتخابات کنگره توافق نهایی امضا شود

یک تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی، درباره بحث توافق و ارتباط آن با انتخابات آمریکا اظهار داشت: در حال حاضر ایران پاسخ آمریکایی‌ها را داده است. ایران می‌گوید این پاسخ سازنده است و در راستای منافع ملی بوده است، اما آمریکایی‌ها نظر دیگری دارند و می‌گویند سازنده نبوده است. یکی از مواردی که هنوز توافق نهایی بر آن شکل نگرفته موضوع تضمین‌های لازم است. ایران تضمین می‌خواهد تا دوباره هیچ کشوری نتواند بدون دلیل موجه از برجام خارج شود که تا این لحظه ضمانت‌های موردنظر ایران داده نشده است. بحث دیگر پادمان است. ایران خواسته روشنی دارد؛ اینکه پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید بسته شود که آمریکا از طریق آژانس سعی می‌کند فشار آورد تا اطلاعات چهارساپت ارائه شود که آیا ایران مخالف است. درباره سیاه هم بحث‌هایی هست که هنوز نهایی نشده است. در مجموع طرفین مذاکرات به توافق نزدیک شده‌اند اما همچنان اختلاف‌هایی وجود دارد. مراد عنادی گفت: باتوجه به سابقه تاریخی این نگرانی وجود دارد که در صورت روی کار آمدن دولت جمهوریخواهان در آمریکا، این کشور بار دیگر از برجام خارج شود. اکنون آمریکا در جایگاهی نیست که بخواهد شرط بگذارد و ایران به حق خواسته‌ای روشن را مطرح میکند؛ اینکه برای رفع این نگرانی باید تضمین لازم داده شود.» وی بیان کرد: ایران پافشاری می‌کند که برجام به عنوان یک قانون در کنگره آمریکا تصویب شود تا دست دولت‌های آینده این کشور برای خروج از برجام بسته شود. اگر برجام در کنگره تصویب نشود عملا این امکان وجود دارد که بار دیگر فردی مانند ترامپ روی کار آید و همه چیز را برهم زند. به هر حال موضع ایران در این موضوع روشن است و استدلال‌هایش هم قوی و منطقی است اما آمریکا با منطق قدرت نمی‌خواهد به این خواسته روشن تن دهد. عنادی در این خصوص که با در نظر داشتن انتخابات کنگره در آبان‌ماه، ممکن است دولت بایدن با ایران بخواهند توافق نهایی بعد از مشخص‌شدن نتیجه انتخابات امضا شود، اظهار کرد: دولت بایدن مایل است قبل از انتخابات کنگره توافق امضا شود زیرا اطمینان ندارد که دموکرات‌ها اکثریت را به دست بگیرند و اگر احیانا جمهوریخواهان در انتخابات پیش‌رو دست بالا را داشته باشند، وضعیت پیچیده می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد خواسته دولت بایدن امضای هرچه سریع‌تر نتیجه مذاکرات باشد. ایران هم باتوجه به وضعیت کلی بین‌المللی مایل است که هرچه زودتر مذاکرات به نتیجه برسد؛ مثلا تا پایان شهریور یا اوایل مهرماه. این کارشناس مسائل بین‌الملل درباره نقش بازیگران بین‌المللی در مسیر مذاکرات توضیح کرد: در حال حاضر دو گروه اصلی سعی می‌کنند در مسیر رسیدن به توافق چالش ایجاد کنند؛ یکی رژیم صهیونیستی است که با جوسازی و فضاسازی‌های ضدایرانی نمی‌خواهد مذاکرات به نتیجه برسد و به همین منظور لابی‌های گسترده‌ای در آمریکا انجام می‌دهد؛ دوم جمهوریخواهان هستند و باتوجه به آنکه انتخابات کنگره هم در آبان‌ماه است سعی می‌کنند مسیر توافق را کند کنند اما دولت بایدن تمایل دارد هر چه زودتر توافق امضا شود. ایران هم خواستار امضای توافق است البته با رعایت ملاحظاتی که مطرح کرده است. اروپایی‌ها هم به ویژه بعد از جنگ روسیه و اوکراین و بحران انرژیای که در پیش خواهد داشت و پیش‌بینی زمستان سختی که پیش رو دارند، تمایل دارند به بازارهای انرژی ایران دسترسی داشته باشند و به همین دلیل خواهان به نتیجه‌رسیدن مذاکرات هستند.

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

فرسایشی شدن احیای برجام برخی فرصت‌های طلایی را از ایران گرفت

- مذاکرات احیای برجام در سطح بسیار لغزنده‌ای صورت می‌گیرد
- ارسال متن احیای برجام به کنگره آمریکا کار برجام را پیچیده می‌کند
- گره احیای برجام پیرامون تضمین‌های درخواستی است
- نمی‌توان نسبت به احیای برجام خوش‌بینی یا بدبینی کامل داشت
- یکی از موانع اصلی احیای برجام فرسایشی شدن مذاکرات است
- موکول شدن احیای برجام به پس از انتخابات کنگره کار را سخت می‌کند

آرمان ملی - احسان انصاری: در حالی که با پیشنهاد اروپا به آمریکا و ایران فضای مذاکرات پیرامون احیای برجام تا حدودی مثبت شده بود و طرفین برخی تعارضات را کنار گذاشته بودند اما در روزهای اخیر دوباره فضای مذاکرات به دلیل اتفاقاتی که بین ایران و آمریکا رخ داده منفی شده است. در این شرایط این احتمال نیز داده شده که دولت آمریکا قصد دارد تصمیم گیری درباره احیای برجام را به پس از برگزاری انتخابات کنگره در ماه نوامبر (آبان ماه) موکول کند. اقدامی که از جهات مختلف می تواند آینده احیای برجام را در هاله‌ای از ابهام فرو ببرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و ارزیابی آخرین تحولات پیرامون احیای برجام با مرتضی مکی، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مکی معتقد است: «اگر احیای برجام به پس از انتخابات ماه نوامبر که آبان ماه برگزار می‌شود موکول شود در عمل امیدواری‌ها نسبت به احیای برجام کمرنگ خواهد شد و کار را سخت خواهد کرد. این ایران است که تحت تحریم‌های اقتصادی آمریکا در سطح منطقه و جهان قرار دارد و به همین دلیل باید از بندانه این تحریم‌ها رها شود. در طول مذاکرات هسته‌ای ایران فرصت‌های طلایی به دست آورد که آنها را از دست داد. یکی از این فرصت‌ها به دست آوردن بازار انرژی اروپا پس از حمله روسیه به اوکراین بود که به دلایل مختلف از دست رفت. اگر برجام احیا شده بود و ایران می‌توانست از این فرصت استفاده کند این اتفاق می‌توانست دستاوردهای مهم اقتصادی برای ایران به‌همراه داشته باشد.

◄ چرا در حالی که بایدن و رئیسی قبل از به قدرت رسیدن از احیای برجام حمایت می‌کردند مذاکرات روند فرسایشی پیدا کرده و هنوز گره‌های احیای برجام باز نشده است؟

همان گونه که در ابتدای مذاکرات احیای برجام نیز مطرح شد یکی از موانع اصلی احیای برجام فرسایشی شدن مذاکرات است. در همان زمان نیز عنوان می‌شد به هر میزان که روند مذاکرات فرسایشی شود به همان اندازه به نتیجه رسیدن برجام سخت‌تر خواهد شد. نکته دیگر اینکه در داخل آمریکا و ایران احیای برجام با مخالفت‌هایی مواجه بود. در پایان دولت آقای روحانی این فرصت وجود داشت که برجام احیا شود و دولت نیز تلاش‌های زیادی انجام داد که این اتفاق رخ بدهد. با این وجود این اتفاق نیفتاد و به همین دلیل کار مذاکرات به دولت سیزدهم کشیده شد. حتی در مرحله‌ای که عنوان می‌شد تحریم‌های ایران باید به صورت مرحله‌ای برداشته شود و راستی‌آزمایی شود و از سوی دیگر ایران به تعهدات هسته‌ای خود عمل کند نیز چالش‌هایی به وجود آمد. در گذشته نیز این موضوع مطرح بود و عنوان می‌شد که ما می‌توانیم به صورت گام به گام با آمریکا به نتیجه برسیم. با این وجود این اتفاق به دلایلی رخ نداد. هر مانعی که در مسیر مذاکرات قرار داشته باشد طرفین به دنبال گره‌گشایی از آن نباشند به شکست برجام منجر خواهد شد.

◄ با توجه به شرایط موجود و موانعی که وجود دارد آیا می‌توان شرایطی را متصور بود که برجام دیگر احیا نشود؟

در شرایط کنونی با توجه به بحران اوکراین برجام برای آمریکا و اروپا یک توافق مهم است. با این وجود نباید این تلقی از وضعیت کنونی صورت بگیرد که آمریکا و اروپا با توجه به شرایطی که در آن قرار دارند حاضر به احیای برجام با هر شرایط و هر شرطی هستند. قطعا اگر برجام نیز به نتیجه نرسد این کشورها پلن‌های دیگری را در دستور کار خود قرار خواهند داد. این پلن‌ها نیز به صورتی نیست که برای ایران منافعی به‌همراه داشته باشد و یا به صورتی باشد که امتیازهای بیشتری را از آمریکا و اروپا نصیب ایران کند. واقعیت غیرقابل انکار این است که اگر برجام به هر دلیلی احیا نشود ما باید هزینه‌هایی برای تحریم‌های آمریکا پرداخت کنیم. این در حالی است که تاب‌آوری اقتصاد ایران در مقابل فشارها کم شده است. باید این موضوع را درک کنیم که وضعیت امروز نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده و به همین دلیل ما نمی‌توانیم نسبت به تحریم‌هایی تفاوت باشیم.

> در شرایط کنونی با توجه به بحران اوکراین برجام برای آمریکا و اروپا یک توافق مهم است. با این وجود نباید این تلقی از وضعیت کنونی صورت بگیرد که آمریکا و اروپا به شرایطی که در آن قرار دارند حاضر به احیای برجام با هر شرطی هستند. قطعا اگر برجام نیز به نتیجه نرسد این کشورها پلن‌های دیگری را در دستور کار خود قرار خواهند داد

◄ با درخواست فرانسه از ایران برای میانجی گری در بحران اوکراین و پایان جنگ، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه به روسیه سفر کرد تا پیغام ابراهیم رئیسی را به مقامات روسیه برساند؟

من معتقدم به موضوع ارسال پیغام از سوی ایران برای روسیه به عنوان یک خبر نگاه کرد. این موضوع تنها در حد یک خبر است. میانجی گری در جنگ روسیه با اوکراین دارای الزاماتی است. یکی از مهم‌ترین این الزامات این است که کشوری که قصد میانجی‌گری دارد باید با هر دو کشور مناسبات نزدیک سیاسی داشته باشد. این در حالی است که ایران دارای رابطه نزدیک و صمیمی با اوکراین نیست. ایران در شرایطی که روابط نزدیکی با اوکراین نداشت که به واسطه این رابطه می‌توانست در روند بحران تأثیر مثبت بگذارد می‌توانست این مسئله را مطرح کند به دنبال میانجی گری بین روسیه و اوکراین است. این در حالی است که در شرایط کنونی ایران در چنین وضعیتی قرار ندارد و اتفاقاتی که در این زمینه رخ می‌دهد به معنای میانجی گری ایران برای پایان جنگ در اوکراین نیست.

◄ مذاکرات احیای برجام در سطح بسیار لغزنده‌ای صورت می‌گیرد

◄ ارسال متن احیای برجام به کنگره آمریکا کار برجام را پیچیده می‌کند

◄ در حالی که پس از پاسخ ایران و آمریکا به پیشنهاد اروپا درباره احیای برجام فضای مذاکرات برای رسیدن به توافق نهایی مثبت شده بود اما به یکباره با طرح مسائل جدیدی که بین ایران و آمریکا مطرح شد فضای احیای برجام منفی شده است. چرا مذاکرات احیای برجام تا به این اندازه فرسایشی و پرفراز و نشیب شده است؟

نوع پیام‌هایی که در هفته‌های اخیر بین ایران و آمریکا رد و بدل شد امیدواری‌هایی را برای احیای برجام به وجود آورد. با این وجود در همین حین شاهد فشارها و اقداماتی برای مانع‌تراشی در مسیر احیای برجام بودیم. در این مدت اسرائیل رایزنی‌ها و تلاش‌های زیادی در فضای بین‌المللی انجام داد تا برجام احیا نشود. در همین رابطه شاهد حضور مقامات ارشد اسرائیل در آمریکا بودیم که با مقامات نظامی و نمایندگان کنگره دیدار و گفت‌وگو کردند. هدف مقامات اسرائیل از این گفت‌وگوها نیز این بود که برجام احیا نشود و یا اگر احیا می‌شود شروطی برای آن گذاشته شود که ایران به اهداف خود از احیای برجام دست پیدا نکند. اظهاراتی از رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و برخی از اعضای تیم مذاکره کننده و یا نزدیکان آنها انجام می‌شد که نشان می‌داد پیام‌هایی که بین ایران و آمریکا با میانجی‌گری اروپا رد و بدل شده با موانعی مواجه است و این موانع به راحتی اجازه نمی‌دهد احیای برجام صورت بگیرد. واقعیت غیرقابل انکار این است که مذاکرات احیای برجام در سطح بسیار لغزنده‌ای در حال انجام شدن است. این سطح لغزنده نیز باعث می‌شود نتوان نسبت به احیای برجام خوش‌بینی و یا بدبینی کامل داشت. متغیرهای مهمی نیز باعث شده این سطح لغزنده به یک ثابت قابل اطمینان تبدیل نشود. در شرایط کنونی ایران و آمریکا علی رغم اینکه به برجام نیاز دارند اما هنوز نتوانسته‌اند به یک نقطه تفاهم دست پیدا کنند. آخرین موضوعی که باعث شده فضای احیای برجام منفی شود خواسته منطقی ایران برای تضمین نسبت به لغو تحریم‌هاست. این در حالی است که گمانه‌زنی‌ها حکایت از این دارد که این احتمال وجود دارد که تضمین‌های مورد خواست ایران نیاز به تصویب کنگره داشته باشد.

◄ مهم‌ترین گره موجود برای احیای برجام چیست؟

هیچ کدام از طرفین هنوز به صورت شفاف و علنی درباره پیام‌هایی که رد و بدل شده و پیشنهادهایی که داده شده اظهار نظر رسمی نکرده‌اند. به همین دلیل پیش‌بینی و تحلیل شرایطی که چه موضوع و یا بندی در متن مذاکرات باعث شده که در عمل مذاکرات به نتیجه نرسد سخت و دشوار شده است. آن چیزی که برای ما منبع تحلیل و ارزیابی است اخبار و گمانه‌زنی‌هایی است که در سطح رسانه مطرح شده است. به همین دلیل نیز تحلیل ما با استناد به اخباری است که در رسانه‌ها مطرح شده است. مهم‌ترین موضوعی که به نظر می‌رسد در مسیر احیای برجام مانع ایجاد کرده موضوع تضمین‌های مورد خواست ایران و تصویب تصمیماتی که دولت آمریکا درباره برجام می‌گیرد در کنگره این کشور است. واقعیت این است که اگر این موضوع مشکل اصلی باشد بعید است طرفین بتوانند در کوتاه مدت به یک نقطه تفاهم دست پیدا کنند. در کنگره آمریکا نمایندگان جمهوریخواه و برخی از نمایندگان دموکرات با احیای برجام مخالف هستند. در چنین شرایطی اگر دولت آمریکا مصوبه احیای برجام را به کنگره ببرد نمی‌تواند به نتیجه برسد. این در حالی است که انتخابات کنگره در ماه نوامبر برگزار خواهد شد و احتمال اینکه جمهوریخواهان که با احیای برجام مخالف هستند اکثریت کنگره را در اختیار بگیرد بسیار زیاد خواهد بود. در شرایط کنونی نیز نمایندگان جمهوریخواه و دموکرات در مقابل احیای برجام مواضع سختی دارند و عنوان می‌کنند احیای برجام باعث می‌شود ایران به میلیاردها دلار پول دست پیدا کند و اهدافی که آمریکا برای نظارت بر پروندهٔ هسته‌ای ایران دارد را از بین ببرد. این موضوعی است که مخالفان برجام در آمریکا روی آن تأکید می‌کنند.

> مهم‌ترین موضوعی که به نظر می‌رسد در مسیر احیای برجام مانع ایجاد کرده موضوع تضمین‌هایی مورد خواست ایران و تصویب تصمیماتی که دولت آمریکا درباره برجام می‌گیرد در کنگره این کشور است. واقعیت این است که اگر این موضوع مشکل اصلی باشد بعید است طرفین بتوانند در کوتاه مدت به یک نقطه تفاهم دست پیدا کنند. در کنگره آمریکا نمایندگان جمهوری خواه و برخی از نمایندگان دموکرات با احیای برجام مخالف هستند. در چنین شرایطی اگر دولت آمریکا مصوبه احیای برجام را به کنگره ببرد نمی‌تواند به نتیجه برسد

◄ گمانه‌زنی‌ها بی مبنی بر احتمال اینکه دولت آمریکا تصمیم گیری درباره احیای برجام را به بعد از انتخابات کنگره در ماه نوامبر در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت مردمی یعنی با مردم، بین مردم و برای مردم بودن

- دولت مردمی دولتی است که شعار و وعده نمی‌دهد بلکه برنامه ارائه و اجرا می‌کند
- سفرهای استانی قرار نیست ما را تن سیاسی باشد
- مهم‌ترین تغییر دولت باید تغییر در برنامه‌ها باشد

آرمان ملی- حمید شجاعی: سیزده ماه از روی کار آمدن دولت سیزدهم می‌گذرد و چندی پیش نیز دولت یکسالگی خود را سپری کرد. در همین راستا امروز می‌توان عملکردهای دولت در حوزه‌های مختلفی مثل سیاست داخلی و خارجی و سیاست اقتصادی، سیاست فرهنگی، ارتباط با مردم، میزان اعتماد عمومی و... را بررسی کرد و در هر یک به دولت نمره‌ای داد. با این حال آنچه امروز برای جامعه بیش از هر چیزی مهم است کهنه زخمی است که همه دولت‌ها با آن سو و کار داشته‌اند بحث اقتصاد و معیشت مردم؛ مساله‌ای که اتفاقا سید ابراهیم رئیسی با اعلام دارا بودن برنامه‌های مدون در این حوزه وارد کارزار انتخابات شد و پس از روی کار آمدن و تشکیل دولت جدید همه منتظر بودند تا ببینند که در نهایت دولت سیزدهم چه تغییراتی در جهت مثبت در معیشت مردم ایجاد خواهد کرد. اما پس از گذشت چند ماه مشخص شد که چندان نیز نباید به برنامه‌های اقتصادی دولت خوشبین بود، چراکه اقداماتش با واکنش‌هایی مواجه شد و برخی از کارشناسان از نبود برنامه منسجم اقتصادی در دولت سخن گفتند. به همین جهت است که وقتی صحبت از تغییرات در دولت به میان می‌آید هنوز هم قاطبه صاحب‌نظران تغییر در برنامه‌ها را در اولویت قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد دولت اگر بخواهد آنطور که گفته تغییر را به نفع مردم رقم بزند باید اقداماتی مثبت و موثر در حوزه اقتصادی صورت دهد تا میزانی از رضایت در وضع معیشت مردم پدیدار شود. در این راستا برای بررسی عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف، سفرهای استانی و لزوم پاسخگویی «آرمان ملی» با حسین کنعانی مقدم، فعال سیاسی و دبیرکل حزب سبز ایران به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

◄ با توجه به اینکه اخیرا یک سالگی دولت سیزدهم را پشت‌سر گذاشته‌ایم؛ عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و ارتباط مردمی دولت یکی از حوزه‌هایی است که به آن اشاره می‌شود؛ ارزیابی شما از نوع ارتباط دولت و مردم چگونه است؟

محور مهمی که آقای رئیسی در دولت سیزدهم مطرح کردند و مقام معظم رهبری نیز بر روی آن تاکید داشتند بحث دولت مردمی بود. دولت مردمی یعنی با مردم، بین مردم و برای مردم. حال اینکه آقای رئیسی توانسته در بین مردم باشد شاید بخشی از آن شعار با سفرهای استانی، حضور در بین مردم و همچنین وزرای دولت در استان‌ها محقق شده است. از طرفی با مردم بودن یعنی اینکه منافع مردم را مورد توجه قرار دهند و بر اساس مطالبات مردم تصمیم بگیرند و حرکت کنند که در این حوزه باید مردم قضاوت کنند که آیا این مساله به نحو مطلوب اتفاق افتاده است یا خیر و آیا دولت توانسته مطالبات مردم را پاسخ دهد؟ این مطالبات در بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مسائل مختلف مطرح است که به نظر می‌رسد دولت در حوزه اقتصادی هنوز نتوانسته مطالبات مردم را پاسخگو باشد و ما عملا شاهد این هستیم که مردم از نظر معیشتی و مسائل اقتصادی نسبت به دولت انتقاداتی دارند. نکته بعدی؛ برای مردم بودن آنکه مساله بسیار مهمی است که در عین حالی که مطالبات را پاسخ می‌دهد فارغ از هرگونه محدودیت سیاست‌هایی که ممکن است دولت در بحث سیاست خارجی یا مسائل مختلفی که در کشور اتفاق می‌افتد تمام توان کشور را برای تامین نیازهای مردم مورد توجه قرار دهد. دولت اگر می‌خواهد برای مردم باشد باید بخشی از توان خود را صرف حل مشکلات مردم کند. اگر دولت برای مردم باشد به توجه به اینکه اخیرا یک سالگی دولت سیزدهم را پشت‌سر گذاشته‌ایم؛ عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد و ارتباط مردمی دولت یکی از حوزه‌هایی است که به آن اشاره می‌شود؛ ارزیابی شما از نوع ارتباط دولت و مردم چگونه است؟

> معتقدیم چیزی که مصوبه مجلس شورای اسلامی می‌شود و برای اجرا ابلاغ می‌شود همه با هر دیدگاهی ملزم به رعایت آن هستند هر قدر که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مساله داشته باشند. لذا از نظر من اصولگرایی یعنی قانون‌گرایی و اصلاح‌طلبی هم یعنی تن دادن به قانون

◄ دولت مردمی دولتی است که شعار و وعده نمی‌دهد بلکه برنامه ارائه و اجرا می‌کند

◄ سفرهای استانی قرار نیست ما را تن سیاسی باشد

◄ مهم‌ترین تغییر دولت باید تغییر در برنامه‌ها باشد

نباشد خب قطعا ممکن است در راستای اهداف و منویات یک جریان و جناح خاص حرکت کند که قطعا نمی‌توان نام دولت مردمی بر آن اطلاق کرد. این ۳ مولفه‌ای که عرض کردم چارچوب شکل‌گیری دولت مردمی را تشکیل می‌دهد. نکته مهم‌تر این است که توقع ما فقط داشتن دولت خوب و حکمرانان خوب نیست. یعنی وقتی حکمرانان نتوانند حکمرانی خوبی انجام دهند قطعا ممکن است مردم نسبت به این مساله عکس‌العمل منفی نشان دهند و بگویند درست که افراد خوب حاکم شدند اما از مدیریت خوبی هم شکل گرفته است؟ لذا همه به دنبال حکمرانی مطلوب هستند یعنی هم شکل‌گیری خوبی باشد و هم خوب حکمرانی کند. در این زمینه به نظر می‌رسد درست است که دولت کارگزاران خوبی را انتخاب کرده اما آیا نتیجه‌اش یک حکمرانی خوب بوده است؟ من معتقدم که دولت باید در این مسیر تلاش مضاعفی را انجام دهد. این را نیز باید بدانیم که ملاک برای عملکرد دولت‌ها شاخص‌ها هستند. یعنی اگر شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را رصد کنیم و میزان رأی قرار دهیم قاعدتا نمی‌توانیم صرفا با وعده دادن مردم را قانع کنیم. بلکه باید بگوییم این وعده‌ای که داده شده بر اساس این شاخص محقق شده و در غیر این صورت به نظر می‌رسد که هنوز در فضای انتخاباتی بسر می‌بریم.

◄ بسیاری معتقدند با توجه به عملکرد نه چندان مطلوب دولت در حوزه اقتصادی لزوم ایجاد تغییرات در دو حوزه برنامه‌ها و کارگزاران احساس می‌شود؛ تحلیل شما از این مساله و تغییرات احتمالی چگونه است؟

بیش از یک سال است که دولت مستقر شده و فرصت کافی داشته تا این تغییرات را در مدیریت‌ها انجام دهد و اکنون مردم در مقام قضاوت قرار دارند که آیا این رایی که به دولت سیزدهم دادند توانسته به اهدافی که مدنظرشان بوده دست پیدا کند. قاعده این مساله نیز این است که مردم بگویند برنامه‌ای که دولت داشته چه بوده و اکنون کجای کار است و چند درصد از این برنامه‌ها عملی شده است. لذا من معتقدم اولین تغییر اساسی باید در برنامه‌ها باشد. یعنی برنامه دولت با شاخص‌هایی که می‌توان اندازه‌گیری کرد سنجیده شود. یعنی زمانی که می‌گوییم نرخ تورم باید ۸درصد باشد باید گفته شود که چه برنامه‌ای برای تحقق این امر داریم و بر این اساس آن زمان ساختاری که می‌تواند این کار را انجام دهد و نیروی انسانی که باید برای این کار وارد شود را مورد ارزیابی قرار دهیم و برای تحقق برنامه‌ها گام برداریم. در غیر این صورت اینکه ما مدیران را تغییر دهیم و بدون اینکه مشخص شود برنامه پیش رو چیست؛ چه هدف‌گذاری‌هایی شده و چه زمانی باید به این اهداف رسید صرفا مدیران تغییر نکنند نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. در نتیجه نسبت باید تغییرات در برنامه‌ها صورت گیرد و پس از آن تغییرات در برخی مدیریت‌ها و البته آن هم نه فقط مدیران میانی؛ حتی کارشناسانی که در زمینه‌های مختلف تاثیرگذارند.

> زمانی که می‌گوییم نرخ تورم باید ۸درصد باشد باید گفته شود که چه برنامه‌ای برای تحقق این امر داریم و بر این اساس آن زمان ساختاری که می‌تواند این کار را انجام دهد و نیروی انسانی که باید برای این کار وارد شود را مورد ارزیابی قرار دهیم و برای تحقق برنامه‌ها گام برداریم

◄ یکی از شاخص‌های دولت مردمی پاسخگو بودن به مردم است؛ طی سیزده ماه گذشته چه میزان مسئولان دولتی از رئیس‌جمهور تا وزرا و سایر مدیران در حوزه‌های مختلف را به مردم پاسخگو دیده‌اید؟

من معتقدم که پاسخگویی تنها به مصاحبه کردن، بیانیه دادن و تجمعات مردمی نیست. به نظر من دولت وقتی پاسخگو است که بر اساس وعده‌هایی که می‌دهد و برنامه‌هایی که اعلام می‌کند باید با دلیل بگوید که با این دلیل به این برنامه‌ها رسیده‌ایم و به دلیل این موانع نیز به این برنامه‌ها دست پیدا نکرده‌ایم. از طرفی آگاهی دادن به مردم در ارتباط با شرایط موجود و آینده کشور خیلی مهم است. وقتی امام حسین(ع) به سمت کربلا حرکت می‌کردند به خیلی‌ها می‌گفتند انتهای مسیری که می‌رویم شهادت است و شرایط ما این نیست که فردا به حکومت برسیم. اطرافیان به ایشان اعتراض کردند که چرا اینگونه سخن می‌گویید و مردم می‌روند که ایشان در اینجا نکته‌ای بیان می‌کنند که به نظرم همه کارگزاران نظام باید این جمله را بالای سر خود بنویسند. جمله این است که حکمرانان نباید واقعیت را از مردم پنهان بدارند. مردم اکنون باید تکلیف خود را در ارتباط با سیاست خارجی، بحث برجام، مسائل هسته‌ای تهدیداتی که وجود دارد و حداقل آینده ۱۰ ساله خود را بدانند. دولت باید این مسائل را به‌طور شفاف با مردم بیان کند و مدیران خود را در اتاق شیشه‌ای قرار دهد و اطلاع‌رسانی و آگاهی داشته باشد. من معتقدم در بحث نرم اطلاع‌رسانی ضعیف بوده است. در ارتباط با مسائل اقتصادی و مشکلات اقتصادی که کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند باید شفاف‌سازی شود تا مردم بتوانند حداقل برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنند.

◄ با وجود تاکیدات مقامات عالیه کشور بر رسیدن به یک توافق خوب و حمایت از تیم مذاکره کننده اما برخی جریانات و رسانه‌هایشان با هرگونه توافقی مخالفند؛ از دیدگاه شما این نوع رویکرد ها مبتنی بر چه اهداف و مسائلی است؟

همه جریانات از جمله اصولگرا، اصلاح‌طلب و معتدل باید این باور را داشته باشند که به قانون عمل کنند. معتقدم چیزی که مصوبه مجلس شورای اسلامی می‌شود و برای اجرا ابلاغ می‌شود همه با هر دیدگاهی ملزم به رعایت آن هستند هر قدر که دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مساله داشته باشند. لذا از نظر من اصولگرایی یعنی قانون‌گرایی و اصلاح‌طلبی هم یعنی تن دادن به قانون. اگر برخی شرایط خود را طی کند و به مجلس برود و تصویب شود حتی نمایندگان مخالف با این طرح پس از مصوب شدن آن دیگر نمی‌توانند اعتراض کنند. ما اکنون به وحدت و انسجام نیاز داریم و تندروی و کندروی‌هایی که در جناح‌های سیاسی و در تریبون‌های مختلف انجام می‌شود اگر منافع ملی و امنیت ملی را به خطر بیندازد باید با آن برخوردهای لازم صورت گیرد.

◄ نگرش‌های مختلفی نسبت به سفرهای استانی وجود دارد و برخی معتقدند همین حضور در استان‌های مختلف در میان مردم می‌تواند به عنوان امری مطلوب تلقی شود اما عده‌ای دیگر مطرح می‌کنند که سفرهای استانی باید بار کیفی داشته باشد از نظر شما کدام رویکرد به سفرهای استانی مطلوب‌تر رویکرد کمی یا کیفی؟

سفرهای استانی قرار نیست ما را تن سیاسی باشد. هر سفری ۲۴ ساعت طول می‌کشد با جلسات فشرده، دیدارهای مردمی، بازدید از کارخانه‌ها و... که به نظر من مردم نمی‌توانند نتیجه آن را لمس کنند. حداقل نخبگان یک استان این فرصت را کمتر پیدا می‌کنند که مسائل خود را مطرح کنند. اینکه ما برویم در استانی بازدیدی کنیم، حرف بزنیم و برگردیم به نظر من ما به جایی نمی‌رسد و صرفا همین ما را تنی است که خیلی ها انجام می‌دهند و بعضی مواقع نیز امدادی می‌شود. یعنی وقتی شخص مورد نظر خسته شد این وظیفه را به عهده نفر بعدی می‌گذارند تا وادامه دهد. در حالی که مردم توقع دارند در این سفرهایی که صورت گرفته وعده‌های داده شده محقق شود.

◄ دولت از ابتدا وعده‌هایی داده که با گذشت یک سال هنوز تحقق پیدا نکرده است مثل ساخت یک میلیون مسکن در سال یا ایجاد یک میلیون شغل و... اساسا این عدم تحقق وعده‌ها چه میزان بر روی اعتماد عمومی تاثیر می‌گذارد و راهکار ترمیم اعتماد را چه می‌دانید؟

دولت مردمی دولتی است که شعار و وعده نمی‌دهد بلکه برنامه ارائه و اجرا می‌کند. در غیر این صورت هیچ فرقی با سایر دولت‌ها ندارد. توقع ما از حکمرانان این است که در خصوص کارگزاران نهایت دقت را به خرج دهند. به این معنی که همه فشارهایی که وجود دارد را به جای اینکه به مردم منتقل کنیم به کارگزاران منتقل کنیم تا بتوانند مشکلات را حل کنند. به نظر من اینکه اگر دقت گزاران در انتخاب کارگزاران و نظارت درست بر روی عملکرد آنها صورت گرفت می‌توان گفت که دولتی کارآمد روی کار آمده است.

> زمانی که می‌گوییم نرخ تورم باید ۸درصد باشد باید گفته شود که چه برنامه‌ای برای تحقق این امر داریم و بر این اساس آن زمان ساختاری که می‌تواند این کار را انجام دهد و نیروی انسانی که باید برای این کار وارد شود را مورد ارزیابی قرار دهیم و برای تحقق برنامه‌ها گام برداریم

نگاه

رحمان قهرمانپور:

ارزش استراتژیک برجام کاهش یافته است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره شرایط فعلی حاکم بر روند مذاکرات و تبادل پاسخ‌ها اظهار داشت: این واقعیت که ارزش استراتژیک برجام برای هر دو طرف کاهش یافته است را باید بپذیریم. در سال ۲۰۱۵ برجام، یک برند شد و فضای جدیدی ایجاد کرد تا در نظام کنترل تسلیحاتی و ثبات منطقه موثر باشد، اما وقتی برجام اجرا شد، حتی در دولت اوباما هم سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ایران بیشتر نشد. در ایران هم ما فکر می‌کردیم شرایط بهتر می‌شود، اما سرعت لازم را نداشتیم، چون زیرساختش را نداشتیم. اینکه فرصت به شما داده شود، یک بحث است اینکه آمادگی برای بهره‌برداری از فرصت داشته باشیم. بحث دیگری است. رح